

پیش‌بینی تفکر انتقادی بر اساس سبک‌های فرزندپروری و خردمندی پدران در دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ

حسین مسیبیان^۱، اعظم قویدل^۲

نویسنده مسئول:

حسین مسیبیان

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۴۸-۶۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تفکر انتقادی بر اساس سبک‌های فرزندپروری و خردمندی پدران در دانش‌آموزان انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ که تعداد آنها ۱۷۰۰ نفر هستند، تشکیل داد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیگ (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار پژوهش شامل سه پرسشنامه استاندارد تفکر انتقادی فاسیون و فاسیون (۱۹۹۰)، سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و خردمندی آردلت (۲۰۰۳) بود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش همزمان استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 25 استفاده شد. تحلیل نتایج نشان داد بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری وجود ندارد. بین تفکر انتقادی و مؤلفه‌های شناختی، ژرف‌نگری و عاطفی خردمندی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد با بالا رفتن مؤلفه‌های خردمندی در پدران دانش‌آموزان نمره تفکر انتقادی دانش‌آموزان نیز بالا می‌رود. بین خردمندی و سبک‌های فرزندپروری رابطه معناداری وجود ندارد. خردمندی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تفکر انتقادی می‌باشد. متغیر سبک‌های فرزندپروری نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار تفکر انتقادی باشد. پیشنهاد می‌شود پدران با ارتقاء تفکر خود از راه‌ها و طرق مختلف، ارتقای تفکر انتقادی و خردمندی را در فرزندان خود میسر و فراهم نمایند.

واژه‌های کلیدی: تفکر انتقادی، سبک‌های فرزندپروری، خردمندی

بیان مسأله

از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان و وجه تمایزش از سایر موجودات، برخورداری از نیروی تفکر و خرد ورزی است. از این رو دانشمندان انسان را حیوان متفکر می‌دانند. ویژگی تفکر، انباشت اطلاعات محض نیست. تلاش ذهنی انسان است که هنگام رویارویی با مسایل از آن بهره می‌گیرد و با پویایی و برقراری روابط بین یافته‌ها و سازمان‌دهی آنها، مفاهیم، ایده‌ها، روش‌ها و سازه‌های جدیدی خلق می‌کند، موفق به کشف مجهولات، حل مسایل و یادگیری‌های نو می‌شود. در عصر اطلاعات، افراد به طور دائم با انبوه اطلاعات و داده‌ها سر و کار دارند و آنها را پردازش و درک می‌کنند. البته بسیاری از افراد به خوبی در این امر موفق نیستند. با اندک دقت به واکنش آنها در مقابل دریافت اطلاعات گسترده و متنوع، مسایل مختلف از قبیل پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات، تقلید کورکورانه، قضاوت عجولانه، تعصبات منفی ذهنی به امور و دید تک بُعدی آنها به چشم می‌خورد. از نظر (نلسون، ۲۰۱۰)^۱ تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به منظور روشن‌سازی و بهبود فهم ما صورت می‌گیرد. مجهز ساختن افراد به مهارت‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود که آنها به این موضوع آگاه شوند که اکتشاف و پیشرفت‌های علمی، به تنهایی نمی‌تواند جامعه را هدایت کند، بلکه این جامعه و افراد آن هستند که باید اکتشاف و پیشرفت‌های علمی را به بهترین وجه کنترل و هدایت کنند (گان، گریگ و پومه، ۲۰۰۸)^۲. تفکر انتقادی افراد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثری، اطلاعاتی را که از طریق مطالعه کتاب، اینترنت و دانشگاه، درباره نظریه‌های رایج، معیارها یا استانداردهای موجود و روش‌های مورد استفاده، به دست آورده-اند، ارزیابی و سازماندهی کنند و به میزان صحت، ارزشمندی و اعتبار آنها، از طریق روش استدلالی پی ببرند و به این ترتیب آنها را در تصرف خود درآوردند. تفکر انتقادی باعث توسعه توانایی پژوهش، حل مسأله،^۳ تصمیم‌گیری،^۴ بهره بردن از دیدگاه‌های مختلف و یادگیری مادام‌العمر در افراد می‌گردد. مجموع این قابلیت‌ها باعث می‌شود تا دانش‌آموزان قادر به حل مشکلات ملی، علمی و عملی باشند (اسنایدر و مارک، ۲۰۰۸)^۵. در ارتباط با نقش و اهمیت تفکر انتقادی می‌توان گفت، طرز تفکر موضوع بسیار مهمی است زیرا بر اساس آن «فلسفه زندگی» هر فردی ریخته می‌شود (شاملو، ۱۳۸۵). تفکر نهایت چاره‌جویی انسان است. کیفیت آینده ما تماماً به کیفیت تفکر ما بستگی دارد این نکته هم در سطح فرد هم در سطح جامعه و هم در سطح دنیا مصداق دارد به طور کلی تفکر قابلیت است که فرد بتواند به وسیله آن مسئله‌ای را حل کند و یا حقیقتی را درک نماید (هالاها و کافمن، ۱۹۴۴؛ ترجمه جوادیان، ۱۳۸۳).

در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده‌ای در جوامع گوناگون برای دستیابی به جدیدترین فناوری و منابع قدرت هستیم افراد تیزهوش، خلاق و صاحب اندیشه‌های نو و بدیع، به مثابه گرانبهاترین سرمایه‌ها، از جایگاه بسیار بالا و ارزشمندی برخوردار هستند چرا که جامعه امروز ما به واسطه تحولات سریعی که در جهان شاهد هستیم بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر قدر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده تر شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده نیز بیشتر و شدیدتر می‌گردد به همین دلیل در شرایط کنونی مسئله خلاقیت از مهمترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشگاهی است. محیط‌های بیش از اندازه رسمی و بیش از اندازه آزاد برای خلاقیت نسبتاً مضرند و هرگز نخواهند توانست خلاقیت را در فرد به طور سالم پروراند. به نظر می‌رسد رشد و تعالی یا عدم رشد تفکر انتقادی دانش‌آموزان تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین باشد، شیوه‌های فرزندپروری والدین به صورت‌های متفاوتی طبقه‌بندی شده است. به طور کلی، پژوهشگران متعددی چهار شیوه فرزندپروری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت^۶ والدین (پاسخ‌دهی والدینی) و کنترل والدین (سختگیری والدینی) را طرح‌ریزی کرده‌اند (زیمرن، باندورا و مارتینز، ۲۰۰۳)^۷ در فرزندپروری مستبدانه، والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آنها از فرزندان خود انتظار اطلاعات داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می‌کنند. در فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین بر خلاف والدین سخت‌گیر بسیار پاسخ‌دهنده بوده و اجازه خودگردانی^۸ زیادی را به کودکان می‌دهند و آنها را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی‌کنند. در فرزندپروری غفلت‌ورزانه والدین در پاسخ‌دهی و سخت‌گیری در سطح پایینی قرار داشته و طرد کننده یا مسامحه کننده‌اند. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ‌دهی بوده و فرزندان آنان اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت هستند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می‌دهند (بیگهام، ۲۰۱۰)^۹.

1 . Nelson

2 . Gunn , Grigg & Pomahac

3 . problem solving

4 . Decision Making

5 . Snyder & Mark

6 . affection

7 . Zimmerman, Bandura & Martinez

8 . autonomy

9 . Bigham

دیگر متغیر احتمالی تأثیرگذار بر تفکر انتقادی، می‌تواند خردمندی پدران باشد، آردلت^۱ (۲۰۰۳) به تعریف خردمندی به عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بُعد گسترده «شناختی»،^۲ «تأملی»^۳ و «عاطفی»^۴ پرداخته است، که از نظر او وجود هر سه بُعد برای خردمندی فرد الزامی است. بعد «شناختی» خردمندی نشان دهنده میل به دانستن حقیقت و رسیدن به درک عمیق‌تری از زندگی از جمله پذیرش وجوه متناقض ماهیت انسان، محدودیت‌های دانش و غیر قابل پیش‌بینی بودن زندگی است، بنابراین شامل ویژگی‌هایی مانند «با تجربه» و «باهوش و کاربردگرا» است. «بُعد تأملی» نشان دهنده خودآزمایی، خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف است. فرد باید از طریق خود تأملی بر فاعلیت و تجلیات خود غلبه کند، بنابراین نوعی فراشناخت است که شامل ویژگی‌های روان-نگرانه و شهودی است. «بُعد عاطفی» به عنوان عشق همدلانه و مهربانی و درک دیگران همراه است. از نظر آردلت (۲۰۰۳) خردمندی کیفیتی از شخصیت است که در افراد خردمند وجود دارد و در واقع بر روی یک نوع آرمانی از شخص خردمند تأکید دارد و نه یک نوع آرمانی از دانش مرتبط با خردمندی. او معتقد است تا زمانی که افراد دوباره دانش مرتبط با خردمندی را از طریق تأمل بر تجربیات شخصی به خردمندی تبدیل نکنند، این مفهوم به صورت یک دانش نظری باقی می‌ماند و چنین تعریفی از خردمندی معنای چندانی ندارد حتی اگر این دانش در سطوح بالایی در آثار فرهنگی باستانی وجود داشته باشد. با عنایت به مطالب فوق و با توجه به این که پژوهشی با این عنوان تا کنون صورت نگرفته لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا سبک‌های فرزندپروری و خردمندی پدران می‌توانند تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان پسر پایه ششم بهبودآهنگ پیش‌بینی کنند؟

در این رابطه پژوهش‌هایی در ایران و خارج از ایران انجام شده که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. اقبال‌نیا و قربانی (۱۳۹۷) بین شیوه فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بهرامی‌هیدجی، سوداگر، مسچی و جعفری‌آذر (۱۳۹۶) بین سبک تفکر با شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها رابطه دارد. شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توانند سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کنند. قدومی‌زاده و فولادچنگ (۱۳۹۴) جهت‌گیری گفت و شنود خانواده به طور مثبت و جهت‌گیری همنوایی به طور منفی گرایش به تفکر انتقادی را پیش‌بینی می‌کند. هر دو بُعد الگوی ارتباطات خانواده پیش‌بینی کننده جهت‌گیری مذهبی هستند. همچنین، جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده به طور مثبت و جهت‌گیری مذهبی درون فکنی شده به طور منفی گرایش به تفکر انتقادی را پیش‌بینی می‌نماید. نتایج واسطه‌گری نیز نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود با واسطه جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده به بهبود تفکر انتقادی می‌انجامد. این در حالی است که همنوایی خانواده با واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی درون فکنی شده به کاهش تفکر انتقادی منجر می‌شود. دهقانی فیروزآبادی و اخوت (۱۳۹۴) رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی معنادار است. جوکار و گلشنی (۱۳۹۳) بین سبک‌های هویت و تفکر انتقادی ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه‌های فرزندپروری با تفکر انتقادی رابطه معنادار وجود دارد. سهم سبک هویت تعهد و شیوه فرزندپروری بی‌اعتمادی، پذیرش، ایثار در پیش-بینی تفکر انتقادی بیشتر است. عماری و جاویدی سیامک سامانی (۱۳۹۳) بین شیوه‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد، بین سبک‌های فرزندپروری و تفکر انتقادی رابطه معنادار وجود دارد. سالاری، کارشکی و عبدخدایی (۱۳۹۲) مؤلفه‌های ادراک والدینی، انگیزش و گرایش به تفکر انتقادی با یکدیگر همبستگی دارند. علاوه بر این اجرای الگوی معادلات ساختاری نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌ها برازش دارند و گرایش به تفکر انتقادی از طریق انگیزش درونی و ادراک والدینی قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، ادراک والدینی مستقیماً و از طریق انگیزش تحصیلی با گرایش به تفکر انتقادی رابطه دارد. هاشمی (۱۳۹۱) دانشجویان از لحاظ سطح دانش مرتبط با خردمندی از حد متوسط بسیار پایین‌تر بوده‌اند و در میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد، در خردمندی تفاوت معناداری وجود نداشت، اما میان دانشجویان گروه تحصیلی علوم انسانی و علوم پایه تفاوت معناداری مشاهده شد. از لحاظ سطح باورهای معرفت‌شناسی دانشجویان بین دو سطح پیش تأملی و شبه تأملی قرار داشتند. میان دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه، از لحاظ قضاوت تأملی تفاوت معناداری وجود نداشت، اما میان دانشجویان کارشناسی و دانشجویان کارشناسی ارشد تفاوت معناداری وجود داشت. همبستگی بین خردمندی و باورهای معرفت‌شناختی در حد نسبتاً ضعیف است. ساعدی و باقری نوع‌پرست (۱۳۹۱) در ارتباط با عملیات انتزاعی؛ با کنترل اثر متغیرهای جنسیت، رشته دوره دبیرستان و تحصیلات، به طور کلی اثر گروه‌های سنی بر نمرات عملیات انتزاعی معنادار نبود. در ارتباط با تفکر فرا انتزاعی، با کنترل اثر تحصیلات اثر گروه‌های سنی بر نمرات تفکر فرا انتزاعی معنادار بدست آمد.

1 . Ardelt
2 . cognitive
3 . reflective
4 . emotional

البرزی (۱۳۹۰) بین باورهای مدرن مادران و خلاقیت در کودکان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ابعاد خلاقیت و بازی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار و کنترل پیش‌بینی کننده منفی و معنادار خلاقیت در کودکان بود. همچنین تفاوت‌های جنسیتی معناداری میان دختران و پسران در نگرش‌ها و باورهای فرزند پروری مادران و خلاقیت مشاهده شد. گراوند، حسینی و احمدچائی (۱۳۹۰) سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه از طریق مؤلفه‌های سبک‌های تفکر قابل پیش‌بینی هستند همچنین بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ سبک تفکر اجرایی تک‌سالاری جزئی بیرونی آزادمنشانه تفاوت معناداری وجود دارد. رضایی و خداخواه (۱۳۸۸) والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند، فرزندان‌شان یادگیری را ذاتی، سریع و ثابت نمی‌دانند. کلانتری، مولوی و توسلی (۱۳۸۴) والدینی که از سبک تربیتی مقتدرانه با کنترل زیاد استفاده می‌کنند، فرزندان‌شان اعتماد به نفس کافی ندارند و استقلال خود را از دست داده‌اند.

همچنین گلیمور (۲۰۱۸) بین خودکارآمدی مقابله و خردمندی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. هونگ، وانگ، یو، شن، وانگ، زو و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خویش از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری و تفکر والدین بر توانایی شناختی فرزندان گزارش کردند و بیان کردند که سبک‌های والدگری توأم با گرمی، همدلی و درک متقابل و سبک تفکر والدین، تا حد زیادی شکل‌گیری تفکر انتقادی و باز را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند. کاراگو و بک‌مزیک^۲ (۲۰۱۵) بین تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. کایوکریا و بوتنارو^۳ (۲۰۱۴) یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد تفکر انتقادی، پرسشگری است. گلوک، کونیگ، ناسچونگ، رذنوسکی، دورنر و استرابر^۴ (۲۰۱۳) خودکارآمدی با ابعاد خردمندی همبستگی مثبت معنادار دارد. لاتویا^۵ (۲۰۱۳) بین خودکارآمدی عمومی و نمره کلی خردمندی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. چاپراک و کریج^۶ (۲۰۱۲) دانش‌آموزان با والدین منطقی، تفکر انتقادی و عملکرد تحصیلی بهتری داشتند. یونگ و وارن^۷ (۲۰۱۱) دانش‌آموزان با تفکر انتقادی بالا موفقیت تحصیلی بالاتری داشتند. روزن، چپور و کریر^۸ (۲۰۰۸) سبک فرزندپروری مبتنی بر تحمیل و اجبار و فقدان حمایت به ایجاد تفکر منفعل منجر خواهد شد. گزنالس‌دی‌هاس، آلیسا، ویلیامز، هولبین و دان^۹ (۲۰۰۵) سبک‌های فرزندپروری والدین در رفتارهای خود استقلالی فرزندان تأثیر دارد و منجر به تفکر انتقادی فرزندان می‌شود. استاپز-رو و کوچران^{۱۰} (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان رفتارهای باز دارنده والدین و تفکر خلاق و انتقادی دریافتند بیشتر والدین رفتارهای باز دارنده تفکر خلاق و انتقادی، از جمله اطاعت و تکریم دیگران، انطباق با گروه و رفتارهای اجتماعی سازگارانه را در کودکان تشویق می‌کنند. تننت و برلسن^{۱۱} (۲۰۰۰) در مقایسه شیوه‌های رفتاری مادران سنتی (سبک تربیتی سخت‌گیرانه) و مادران مدرن (سبک تربیتی حمایتی) ۲۳ نفر دریافتند مادران مدرن آگاهی بیشتری نسبت به ابعاد و عناصر خلاقیت دارند و فضای خانوادگی مناسبی برای رفتارهای خطر پذیرانه، خود مستقلانه و کنجکاوی ایجاد می‌کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ که تعداد آنها ۱۷۰۰ نفر هستند، تشکیل داد.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیک (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. (به موازات انتخاب ۱۲۰ دانش‌آموز، ۱۲۰ نفر از پدران دانش‌آموزان نیز انتخاب و پرسشنامه تفکر انتقادی توسط دانش‌آموز و دو پرسشنامه شیوه‌فرزندپروری و خردمندی، توسط پدران آنها تکمیل شد) روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی است. بدین

1 . Huang, Wang, Yao, Shan, Wang, Zhu, Lu, Sun & Zhao

2 . Karago & Bekmezci

3 . CojocariuN & Butnaru

4 . Glück, König, Naschenweng, Redzanowski, Dorner & Straber

5 . Latvia

6 . Chabrak & Craig

7 . Youn & Warren

8 . Rosen, Cheever & Carrier

9 . Gonzalez- DeHass, Alyssa, Willems, Patricia, & Holbein & Doan

10 . Stopes- Roe, Mary & Cochrane

11 . Tennent & Berthelsen

صورت که از شهر کبودرآهنگ ۵ مدرسه پسرانه انتخاب و از هر مدرسه ۲۴ دانش‌آموز پسر تعیین و پرسشنامه‌ها در بین آنها توزیع و داده‌های مورد نیاز گردآوری شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه تفکر انتقادی

در سال (۱۹۹۰) فاسیون و فاسیون با همکاری انجمن فلاسفه چند دانشگاه ایالات متحده آمریکا، در مطالعه‌ای به روش دلفی بر اساس نظرات ۴۶ تن از صاحب‌نظران، تفکر انتقادی، فلاسفه و اساتید برجسته آموزشی و پس از بررسی‌های لازم، به یک مفهوم اجماعی از تفکر انتقادی و مهارت‌های آن دست یافتند. بر اساس مفهوم ارائه شده به روش دلفی، تفکر انتقادی به عنوان یک فرآیند قضاوت خود تنظیم و هدف‌دار است که سبب حل مشکلات و تصمیم‌گیری مناسب در فرد می‌شود. این فرآیند یک فرآیند خطی یا فرم به فرم نیست، بلکه انعطاف‌پذیری تفکر انتقادی به فرد اجازه می‌دهد که تئوری‌های مورد استفاده، شواهد موجود، معیارها یا استانداردهای شرح داده شده و یا از روش‌های مورد استفاده را به طور منطقی و به روش استدلالی مورد قضاوت قرار دهد. در واقع فرد با استفاده از توانایی تفکر انتقادی قادر خواهد بود با بررسی دقیق مشکلات و مسائل مرکب و منفرد، نحوه عمل و نوع باوری را که باید داشته باشد را تعیین نماید، که جهت رسیدن به چنین باور و عملکردی، نقش مداخله‌گرانه مهارت‌های اصلی شناختی تفکر انتقادی بسیار چشم‌گیر است. مهارت‌های اصلی شناختی تفکر انتقادی شامل: منظور از تفسیر، به معنی درک و بیان معانی مربوط به تجربیات متنوع است، تحلیل، به معنی تشخیص هدف مطالب و پی بردن به تجربیات متنوع است، ارزشیابی، به معنی تعیین اعتبار مطالب و ارزیابی نحوه ارتباطات موجود در بین آنها است، استنباط، به معنی توانایی نتیجه‌گیری از مطالب است و توضیح، به معنی موجه‌نمایی و بیان نتایج استدلال فرد است (سیف، ۱۳۸۶).

که این مهارت‌ها در گذشته و به طور معمول تحت عناوین استدلال استقرایی و قیاسی دسته‌بندی می‌شدند. استدلال استقرایی به معنی استخراج نتیجه بر اساس دلایل منطقی است و استدلال‌های قیاسی به عنوان نتیجه‌گیری بر اساس یک استنباط یا اصل کلی است. فاسیون و فاسیون^۱ در سال (۱۹۹۰) به منظور سنجش تفکر انتقادی بزرگسالان آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا را در دو فرم موازی (الف) و (ب) تهیه کردند. فرم (ب) این آزمون شامل ۳۴ سؤال چند گزینه‌ای است که برای ارزشیابی تفکر انتقادی در سطوح بعد از دبیرستان طراحی شده است. این آزمون، مهارت‌های تفکر انتقادی محوری را که در آموزش دانشگاهی به عنوان عناصر اصلی در نظر گرفته می‌شود، اندازه می‌گیرد. محدوده سؤالات در برگیرنده مواردی است که تحلیل معنایی از یک جمله تا تلفیق پیچیده‌تر مهارت‌های تفکر انتقادی را اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌گویی به برخی موارد این پرسش‌نامه، مستلزم استخراج استنباط صحیح از یک سری پیش فرض‌ها و پاسخ‌گویی به برخی موارد لازم دیگر، مستلزم ارزیابی و توجیه مستدل یک نتیجه‌گیری است. پاسخ‌گویی به دسته دیگری از سؤال‌ها، مستلزم اعتراض به استنتاج‌های ارائه شده، توجیه و ارزشیابی این اعتراضات است. در طراحی این آزمون یک زمینه عمومی دانش که به سادگی در نتیجه بلوغ طبیعی و در مدارس ابتدایی و دبیرستانی قابل دستیابی است، مفروض شده است. هیچ دانش محتوایی در سطح دانشگاهی که برای رشته‌ها اختصاصی باشد، برای پاسخ‌گویی به این سؤالات مورد نیاز نیست.

آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا این مهارت‌ها را اندازه می‌گیرد: مهارت‌های تفسیری شامل: طبقه‌بندی، رمزگشایی جملات، روشننگری معنا، بررسی ایده‌ها و تحلیل ایده‌ها؛ مهارت‌های استنباطی شامل: جستجو برای شواهد، گمانه‌زنی در مورد جایگزین‌ها و استخراج نتایج؛ مهارت‌های ارزشیابی شامل: ارزشیابی ادعاها؛ ارزشیابی بحث‌ها، بیان نتایج، توجیه رویه‌ها، و ارائه استدلال؛ استدلال قیاسی شامل: استدلال منطقی در ریاضیات، استدلال استقرایی شامل: نتیجه‌گیری از بحث به دنبال رویارویی با حقایق مربوط به پیش فرض‌ها؛ از تحلیل سؤالات این آزمون، در مجموع شش نمره با پنج زیر مقیاس: تحلیل و تفسیر، ارزشیابی استنباط‌ها، استخراج استنباط‌های منطقی، استدلال استقرایی و استدلال قیاسی به دست می‌آید. این ابزار برای ارزشیابی توانایی تفکر منطقی (ارزشیابی اثربخشی برنامه، پژوهش و آموزش مداوم) مفید است. پایایی و روایی: فاسیون و فاسیون (۱۹۹۰) پایایی این آزمون را که با استفاده از فرمول کورد ریچاردسون ۲۰- مورد ارزیابی قرار گرفته است، بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. بابامحمدی و خلیلی (۱۳۸۳) نیز پایایی پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا را ۰/۶۲ گزارش کرده است. اعتبار خارجی: نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که این آزمون با معدل نمرات دانشجویان، نمرات استعداد ریاضی و دروس شفاهی آنها و نمرات آزمون خواندن نلسون - دنی همبستگی مثبت معناداری دارد. اعتبار ایرانی: نتیجه تحلیل عاملی در تعیین اعتبار سازه آزمون حاکی از آن بود که آزمون از پنج عامل (تحلیل، استنباط، ارزشیابی، استدلال استقرایی و

استدلال قیاسی) تشکیل شده است که همه پنج عامل، با نمره کل آزمون همبستگی مثبت و بالایی داشته است. همچنین آزمون مذکور قادر به تمیز اختلاف سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بین دانشجویان پرستاری و فلسفه بوده است.

پرسشنامه فرزندپروری

این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده آن به شیوه استبدادی، و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی، والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها که مادران نمونه‌های مورد مطالعه بودند باید با مطالعه هر ماده، نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم و موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. **مؤلفه‌های پرسشنامه:** مؤلفه شیوه آزادگذاری، (۱۰ عبارت). (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹). مؤلفه شیوه استبدادی، (۱۰ عبارت). (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶). مؤلفه شیوه اقتدار منطقی (۱۰ عبارت). (۴، ۵، ۸، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۳۰). **روایی و پایایی:** بوری^۱ (۱۹۹۲) از روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران به ترتیب برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، ۰/۸۱ و ۰/۷۷، شیوه استبدادی ۰/۸۶ و ۰/۸۵ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۷ و ۰/۸۸ گزارش کرده است. وی همچنین روایی تشخیصی این پرسشنامه را معتبر گزارش نموده است (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹). پایایی این آزمون را به روش باز آزمایی برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک دموکراتیک یا اقتدار منطقی ۰/۷۳ محاسبه کرده است.

پرسشنامه خردمندی

این مقیاس توسط آردلت در سال (۲۰۰۳) طراحی شد دارای ۳۹ سؤال است و در آن خردمندی به عنوان یک متغیر نهفته با شاخص‌های شناختی، تأمل و عاطفی در نظر گرفته می‌شود. مؤلفه شناختی با ۱۴ سؤال توسط آیتم‌هایی سنجیده می‌شود شامل درک از زندگی یا اشتیاق به دانستن حقیقت، دانش نسبت به جنبه‌های متناقض نمای طبیعت بشر (یعنی خوبی و بدی توأمان)، تحمل ابهام و عدم قطعیت و توانایی برای اتخاذ تصمیمات هم برغم پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت زندگی. مؤلفه تأمل با ۱۲ سؤال شامل توانایی نگرستن به پدیده‌ها و رویدادها از دیدگاه‌های مختلف و اجتناب از ذهنی‌گرایی و برون‌فکنی (یعنی اجتناب از ذهنی‌گرایی و برون‌فکنی) یعنی اجتناب از ملایمت دیگران یا شرایط به دلیل موقعیت یا احساسات خود) مؤلفه عاطفی (با ۱۳ سؤال) در برگرفته وجود هیجانات و رفتارهای مثبت به سوی دیگران نظیر احساسات و رفتارهای حاکی از شفقت و همدلی و فقدان هیجانات و رفتارهای منفی به سوی دیگران. تمام آیتم‌ها با استفاده از یکی از دو مقیاس ۵ نقطه‌ای زیر سنجیده می‌شوند: در مورد دسته‌ای از آیتم‌ها دامنه نمره‌گذاری از ۱ (کاملاً موافق) تا ۵ (کاملاً مخالف) و برای دسته دیگر از ۱ (کاملاً دربار من درست است) تا ۵ (کاملاً در مورد من نادرست است) است. همچنین شماری از گویه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند که پاسخ به این دست پرسش‌ها بیانگر برخورداری کمتر از خردمندی است. ۲۴ آیتم با مقیاس لیکرت ۵ نمره‌ای از «قطعاً در مورد من درست است» تا «برای من درست نیست» و ۱۵ آیتم دیگر با مقیاس لیکرت ۵ نمره‌ای از به شدت موافقم تا به شدت مخالفم نمره‌گذاری می‌شود. این آزمون پس از ترجمه، تصحیح و رواسازی به منظور بررسی مقدماتی اعتبار روایی در ۱۱۴ سالمند اجرا شد. در مطالعه آردلت (۲۰۰۳) آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، تأمل و عاطفی به ترتیب در آزمون نخست ۰/۸۷، ۰/۷۵، ۰/۷۴، در آزمون دوم ۰/۸۵، ۰/۷۱ و ۰/۷۲ و در مطالعه حاضر به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۳ و ۰/۶۲ بدست آمد. همچنین روایی محتوایی مقیاس مورد تأیید پنج تن از متخصصان روان‌شناسی قرار گرفت.

تحلیل داده‌ها

فرضیه‌های فرعی

۱- بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. پیش فرض‌های این روش با روش رگرسیون یکسان است.

جدول ۱ ضریب همبستگی تفکر انتقادی دانش‌آموزان و سبک‌های فرزندپروری پدران دانش‌آموزان

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. تفکر انتقادی	۱			
۲. آزاد گذار	-۰/۰۱	۱		
۳. استبدادی	۰/۰۴	**۰/۶۵	۱	
۴. اقتداری	-۰/۰۵	**۰/۴۶	**۰/۴۰	۱

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.

۲- بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و خردمندی پدران رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. پیش فرض‌های این روش با روش رگرسیون یکسان است.

جدول ۲ ضریب همبستگی تفکر انتقادی دانش‌آموزان و خردمندی پدران

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱. تفکر انتقادی	۱				
۲. شناختی	**۰/۳۶	۱			
۳. ژرف‌نگری	**۰/۳۱	**۰/۷۵	۱		
۴. عاطفی	**۰/۴۷	**۰/۵۱	**۰/۵۵	۱	
۵. خردمندی	**۰/۳۷	**۰/۸۷	**۰/۸۷	**۰/۷۰	۱

P<0/01**

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین تفکر انتقادی و مؤلفه‌های شناختی، ژرف‌نگری و عاطفی خردمندی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد با بالا رفتن مؤلفه‌های خردمندی در پدران دانش‌آموزان نمره تفکر انتقادی دانش‌آموزان نیز بالا می‌رود.

۳- بین سبک‌های فرزندپروری و خردمندی پدران رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. پیش فرض‌های این روش با روش رگرسیون یکسان است.

جدول ۳ ضریب همبستگی خردمندی و سبک‌های فرزندپروری

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. شناختی	۱						
۲. ژرف‌نگری	**۰/۷۵	۱					
۳. عاطفی	**۰/۵۱	**۰/۵۵	۱				
۴. خردمندی	**۰/۸۷	**۰/۸۷	**۰/۷۰	۱			
۵. آزاد گذار	-۰/۰۶	-۰/۰۹	-۰/۰۵	-۰/۰۱	۱		
۶. استبدادی	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۴	۰/۰۴	**۰/۶۵	۱	
۷. اقتداری	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۷	-۰/۰۵	**۰/۴۶	**۰/۴۰	۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین خردمندی و سبک‌های فرزندپروری رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.

فرضیه اصلی

خردمندی و سبک‌های فرزندپروری پدران می‌توانند تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند.

جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از رگرسیون به روش همزمان استفاده شد. رگرسیون اجازه می‌دهد نمره یک فرد در یک متغیر بر اساس نمره او در متغیر دیگر پیش‌بینی شود. در جدول زیر خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل به روش همزمان ارائه می‌گردد.

جدول ۴ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل

شاخص روش	R	R ²	F	DF1	DF2	سطح معناداری
هم زمان	۰/۳۸	۰/۱۴	۴/۸۰	۴	۱۱۵	۰/۰۰۱

جدول ۴ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل را نشان می‌دهد. نسبت F و سطح معناداری آن بیانگر اثر معنادار متغیرهای خردمندی و سبک فرزندپروری در معادله رگرسیون است ($p \leq 0.05$). همانطور که مشاهده می‌شود در پیش‌بینی تفکر انتقادی R² محاسبه شده ۰/۱۴ است یعنی این متغیرها ۰/۱۴ درصد از واریانس متغیر تفکر انتقادی را تبیین می‌کند.

جدول ۵ ضرایب حاصل از رگرسیون به روش همزمان متغیر پیش‌بینی کننده تفکر انتقادی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده			T	سطح معناداری
	B	SD	Beta		
ثابت	۲۰/۴۶	۴/۴۲		۴/۶۳	۰/۰۰۱
خردمندی	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۳۷	۴/۲۷	۰/۰۰۱
سبک آزاد گذاری	-۰/۰۷	۰/۱۶	-۰/۰۵	-۰/۴۳	۰/۶۶
سبک استبدادی	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۷۶	۰/۴۴
سبک اقتدار	-۰/۰۱	۰/۱۵	-۰/۰۰۹	-۰/۰۹	۰/۹۳

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که خردمندی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تفکر انتقادی می‌باشد. این پیش‌بینی نشان می‌دهد که با افزایش خردمندی پدران دانش‌آموزان نمره تفکر انتقادی آنها افزایش می‌یابد. متغیر سبک‌های فرزندپروری نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار تفکر انتقادی باشد.

بحث در نتایج

فرضیه‌های فرعی

۱- بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه وجود دارد.

تحلیل نتایج طبق جدول ۱ نشان می‌دهد که بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.

نتیجه این یافته با یافته‌های اقبال‌نیا و قربانی (۱۳۹۷)، بهرامی‌هیدجی و همکاران (۱۳۹۶)، قدومی‌زاده و فولادچنگ (۱۳۹۴) جوکار و گلشنی (۱۳۹۳) عماری و جاویدی سیامک سامانی (۱۳۹۳) سالاری و همکاران (۱۳۹۲)، البرزی (۱۳۹۰)، گراوند و همکاران (۱۳۹۰)، رضایی و خداخواه (۱۳۸۸) کلانتری و همکاران (۱۳۸۴) و دهقانی فیروزآبادی و اخوت (۱۳۹۴)، گزنالس‌دی‌هاس و همکاران (۲۰۰۵)، استاپز-رو و کوچران (۲۰۰۳) و تننت و برسلسن (۲۰۰۰) همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت بر خلاف یافته پژوهش حاضر، که نشان داد بین تفکر انتقادی و سبک‌های فرزندپروری رابطه‌ای وجود ندارد، هونگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خویش از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری و تفکر والدین بر توانایی شناختی فرزندان گزارش کردند و بیان کردند که سبک‌های والدگری توأم با گرمی، همدلی و درک متقابل و سبک تفکر والدین، تا حد زیادی شکل‌گیری تفکر انتقادی و باز را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند. گفته شد که سه نوع سبک فرزندپروری داریم دموکراسی، دیکتاتوری و یا منطقی و تفکر انتقادی جز در محیطی امن و آرام که رویکردهای مختلف فکری قابلیت رشد و نمو داشته باشند، شکل نمی‌گیرد، در این رابطه باید گفت، بنا به دلایل مسایل شغلی، مشکلات و شرایط خانواده ممکن است پدران نتوانند زمینه رشد تفکر انتقادی را در فرزندان فراهم کنند. برای رشد تفکر انتقادی راه‌های زیادی وجود دارد که یکی از آنها ارتباط برقرار کردن درست با دیگران است، در این رابطه ممکن است دانش-آموز نتواند با پدر خود ارتباط درستی داشته باشد، همین طور بالعکس ممکن است پدران نتوانند با فرزند خود ارتباط درستی داشته باشند، برقراری ارتباط صحیح و سالم با دیگران مستلزم شناخت عواطف و هیجانات خود و دیگری است تا کنش‌ها و واکنش‌های درست و به موقع ایجاد شود، در این رابطه نیز دانش‌آموز پایه ششم ممکن است به مرحله شناخت درست عواطف و هیجانات خود نرسیده باشد، که بتواند به درستی کنش و واکنش مناسب از خود نشان دهد.

همین طور یکی از شرایطی که تفکر انتقادی و خلاق بتواند در فرزندان پیشرفت داشته باشد، استقلال، حمایت منطقی، آزادی ابراز عقیده، جو عاطفی مبتنی بر اصول دموکراسی و آزادی اختیار است و کمتر این عوامل در خانواده و شیوه‌های فرزندپروری آنها اعمال می‌شود. در ادامه می‌توان گفت، انسان از نوع صحیح تحریک و چالش عقلانی لذت می‌برد و از معماهایی که می‌تواند حل کند، خوشحال می‌شود (فیش، ۲۰۰۵). در این رابطه پدران ممکن است با سبک فرزندپروری مستبدانه یا سهل‌گیرانه خود این لذت را از فرزند خود بگیرند و مانع رشد تفکر انتقادی شوند. همچنین گزنالس‌دی‌هاس و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود به نقش آگاهی والدین و تفکر آنها نسبت به محیط خانوادگی اشاره کرده‌اند که مؤید رفتارهای خود استقلالی در فرزندان است و به افزایش تفکر انتقادی و خلاق منجر می‌شود و استاپز-روی و کوکرانه (۲۰۰۰) نیز دریافتند که بیشتر والدین رفتارهای باز دارنده تفکر خلاق، از جمله اطاعت و تکریم دیگران، انطباق با گروه و رفتارهای سازگارانه را در کودکان خود تشویق می‌کنند.

۲- بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و خردمندی پدران رابطه وجود دارد.

تحلیل نتایج طبق جدول ۲ نشان می‌دهد که بین تفکر انتقادی و مؤلفه‌های شناختی، ژرف‌نگری و عاطفی خردمندی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد با بالا رفتن مؤلفه‌های خردمندی در پدران نمره تفکر انتقادی دانش‌آموزان نیز بالا می‌رود. نتیجه این یافته با یافته‌های کاراگو و بک‌مزیک (۲۰۱۵)، کایوکریا و بوتنارو (۲۰۱۴) و چابراک و کریج (۲۰۱۲)، یونگ و وارن (۲۰۱۱)، روزن و همکاران (۲۰۰۸) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، یانگ (۲۰۱۳) خردمندی را متشکل از سه مؤلفه کلیدی انسجام شناختی، عینیت یافتن در عمل و تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در طولانی مدت برای حفظ مصالح جمعی می‌داند. یکی از ابعاد اصلی خرد بُعد شناختی است.

آردلت در اینباره گفته است «بُعد شناختی توانایی درک دنیا و تمایل برای دانستن حقیقت است، والدینی که به این بُعد از خردمندی دست یافته‌اند، به سهولت آن را در اختیار فرزندان خود قرار خواهند داد. یکی از عوامل اصلی انتقال منش و روش به فرزندان والدین آنها می‌باشند، زیرا فرزندان بیشترین زمان را والدین سپری می‌کنند و یکی از مهربانترین افراد برای فرزندان والدین آنها می‌باشند، همچنین پدر یا مادر بیشتر از هر کسی دوست دارند فرزند خود مراحل ترقی و پیشرفت را طی نماید، پس هر آنچه والدین می‌آموزند، بدون هیچ کم و کاستی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند. در این رابطه می‌توان گفت، همان طور که گفته شد یکی از روش‌های یادگیری، یادگیری مشاهده‌ای است و فرزندان بیشترین تأثیر را از والدین و خواهر و برادر خود می‌پذیرند، در این فرایند، فرزند نیز رفتار والدین را مشاهده کرده و از منش و روش آنها در زندگی تبعیت می‌کند. زمانی که والدین تمایل به دانستن حقیقت دارند، فرزندان نیز این روش را

الگوی کار خود قرار می‌دهند و تفکر انتقادی نیز چیزی بیشتر از تمایل برای دانستن نیست. فرد غیر نقاد، تمایلی برای دانستن چیزهای جدید ندارد.

وجود والدین خردمند بسان سرمایه‌ای ارزشمند برای فرزند است، زیرا فرزند با الگوی گرانمایه‌ای روبروست، اگر این الگوی گرانمایه برای فرزند وجود نداشته باشد، خود فرزند باید این مراحل را طی نماید که آن هم مسیری بس طولانی است و زمان زیادی می‌طلبد. والدین خردمند والدینی توانا، هدفمند، ارزشمند و متعهد است دانش‌آموز نیز با مشاهده این عوامل، الگوبرداری کرده و همه این فاکتورها را در خود تقویت می‌کند و حتی در بعضی از موارد از او یاری می‌طلبد. دومین بُعد خرد عینیت یافتن در عمل یا جستجو برای دستیابی به بینش یا همان تأمل و ژرف نگری است. منظور از این مؤلفه این است که خردمندان مشتاق هستند مسایل پیچیده را بفهمند و آنها را به شکل عمیق‌تری درک کنند، با موضوعات به شکل سطحی برخورد نمی‌کنند، سعی دارند معناهای پنهان و لایه‌به‌لایه پدیده‌ها را درک کنند. هنگام تصمیم‌گیری و یا قضاوت در مورد موضوعی ترجیح می‌دهند اطلاعات کافی به دست آورند و از قضاوت‌های عجولانه و ناپخته پرهیز کنند (استادینگر و گلوک^۱، ۲۰۱۱). بعد تأملی نشان دهنده خودآزمایی، خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف است.

با اندکی تأمل، می‌توان پی برد که فرد منتقد نیز دقیقاً به همان چیزی می‌خواهد برسد که فرد خردمند در صد رسیدن به آن است. والدین خردمند در صد پرورش فرزندان خردمند هستند، آنها را به انحاء و روش‌های مختلف تشویق به ژرف‌نگری و تأمل دعوت می‌کنند، زمان یک‌ه خود والدین با موضوعات به شکل سطحی برخورد نمی‌کنند، روش فکری خود را از همان کودکی به فرزند خود انتقال می‌دهند، روش و طرز تفکر را به او می‌آموزند، گفته می‌شود فرزندان آینه تمام‌نمای والدین هستند، البته به جز استثناءهایی که در بعضی مواقع رخ می‌دهد و فرزند از نظر ذاتی مشکلاتی در زمینه پرورش تفکر انتقادی دارد. بعد سوم یا همان تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی یا بُعد عاطفی می‌باشد، منظور از این بُعد وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران (دوست داشتن فرزند و یاری او در رسیدن به تفکر انتقادی) و مراقبت از آنها، نبود بی‌تفاوتی و هیجانات منفی نسبت به دیگران و بالاخره داشتن انگیزه برای افزایش رفاه دیگران است (والدین فرزند منتقد پرورش می‌دهند که بتوانند قدمی در جهت رفاه آتی او برداشته باشند، زیرا رفاه و آسایش و پیشرفت علمی در سایه تفکر نقاد به دست می‌آید، پیشرفت علمی و داشتن تفکر انتقاد، باعث به دست آوردن شغل مناسب و به صورت خلاصه پیشرفت در تمام زمینه‌هاست) (آردلت، ۲۰۱۲). بعد عاطفی به عنوان عشق همدلانه و دلسوزانه برای دیگران تعریف شده است که نگرشی همدلانه و مثبت نسبت به دیگران است. نکته آخر اینکه خردمند بودن پدران ضمن تأثیرگذاری بر عملکرد شخصیت فرزندان در ابعاد مختلف زندگی، از طریق فرایند فرزندپروری بر ابعاد مختلف تفکر کودکان نیز تأثیر می‌گذارد و رابطه بین خردمندی و تفکر انتقادی رابطه‌ای دو سویه است، بدین معنا که با افزایش خردمندی تفکر انتقادی پیشرفت دارد و با پیشرفت تفکر انتقادی نیز خرد و خردمندی در فرد پیشرفت می‌کند.

۳- بین سبک‌های فرزندپروری و خردمندی رابطه وجود دارد.

تحلیل نتایج طبق جدول ۳ نشان می‌دهد که بین خردمندی و سبک‌های فرزندپروری رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد. نتیجه-ای همخوان یا ناهمخوان با این یافته یافت نشد.

خردمندی فرایند تحول تفکر در حین کسب تجارب است، خرد و خردمندی مربوط به نحوه تفکر و کسب اطلاعات است ولی فرزندپروری مربوط به کاربرد اطلاعات و آموخته‌ها و روش‌هایی است برای پرورش فرزندان. رشد خرد در سایه هویت مثبت، ارزش‌های مثبت، استفاده سازنده از زمان و تعهد به یادگیری تضمین خواهد شد، اولین و مهم‌ترین سرمایه تأثیرگذار بر رشد خرد، هویت مثبت است. منظور از هویت مثبت برخورداری از یک احساس قوی از توانایی، هدفمندی، ارزشمندی و تعهد است که با عزت نفس بالا و دیدگاه مثبت نسبت به آینده خویش همراه می‌شود. بدون هویت مثبت، جوان در مواجهه با خطر، احساس ناتوانی می‌کند که می‌تواند منجر به فقدان ابتکار عمل و هدفمندی شود. خرد در سایه تعقل و تفکر، کسب تجربه به دست می‌آید ولی سبک‌های فرزندپروری اشاره به سه نوع سبک سهل‌گیرانه، مستبدانه و منطقی دارد و اشاره می‌شود که از ویژگی‌های والدین آزادگذار آنها نمی‌تواند نیازهای کودکان یا نوجوانان را برآورده کنند. بعضی از والدین اجازه می‌دهند کودک هر کاری که می‌خواهد بکند، شاید به این دلیل که کاری به کودک ندارند و یا این که اهمیتی نمی‌دهند. در این خانواده‌ها سطح ارزش افراد خانواده پایین، روابط اعضای خانواده آشفته و غیر انسانی است. والدین این گونه خانواده‌ها، بین خودشان و کودک فاصله‌ای ایجاد و آن را حفظ می‌کنند و نیازهای خودشان را به جای نیازهای کودک مد نظر قرار می‌دهند و می‌توان گفت با توجه به نشانه‌هایی که در این نوع خانواده وجود دارد هیچ یک از علایم تحریفات شناختی در این خانواده دیده نمی‌شود. در سبک فرزندپروری مستبدانه، والدین قواعد و انتظارات خشکی را وضع کرده و به طور سخت و جدی آنها را اعمال می‌کنند. این والدین، انتظار فرمان‌برداری از جانب کودک دارند (اولسون و اولسون، ۲۰۰۱). در سبک اقتدار منطقی، والدین قوانین و انتظارات روشنی را برای

کودکان وضع می‌کنند و با کودک در مورد این قوانین مذاکره می‌کنند. آنها دیدگاه کودک را می‌شناسند و از منطق و قدرت جهت اعمال معیارهایشان بهره می‌برند. با اندکی تأمل و تعمق می‌توان پی برد که بین این دو متغیر هیچ گونه قرابت و سختی وجود ندارد، هر یک روش و هدف خاصی دنبال می‌کند.

فرضیه اصلی

خردمندی و سبک‌های فرزندپروری پدران می‌توانند تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند.

تحلیل نتایج طبق جدول ۵ نشان می‌دهد که خردمندی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تفکر انتقادی می‌باشد. این پیش‌بینی نشان می‌دهد که با افزایش خردمندی پدران دانش‌آموزان نمره تفکر انتقادی آنها افزایش می‌یابد. متغیر سبک‌های فرزندپروری نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار تفکر انتقادی باشد.

نتیجه این یافته با یافته‌های قدومی‌زاده و فولادچنگ (۱۳۹۴) هاشمی (۱۳۹۱)، ساعدی و باقری نوع‌پرست (۱۳۹۱) گلی‌مور (۲۰۱۸) هونگ و همکاران (۲۰۱۵) گلوک و همکاران (۲۰۱۳) لاتویا (۲۰۱۳) همخوان است.

الف- خردمندی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تفکر انتقادی می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، در ادبیات پژوهش اشاره شد که خرد شیوه‌ای از تفکر، احساس و رفتار است که آثار مثبتی برای زندگی خود و دیگران به بار می‌آورد و در بافت زندگی ظاهر می‌شود، برای نمونه وجود خرد، در زندگی یک معلم، آثار مثبت در بافت زندگی یک معلم، رشد شخصیت آنان، برای یک رهبر رفاه و سعادت مردم و برای یک مدیر به حداکثر رساندن، کیفیت محسوب یا به حداکثر رساندن نیروهای بالقوه کارکنانش و شکوفاسازی استعدادهای آنان است (کردنوقایی، ۱۳۹۶).

خرد مشتمل بر دانش، تفکر، درک و بینش، تأمل و بازنگری و توجه همزمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران است. و در مورد تفکر انتقادی می‌توان گفت، تفکر انتقادی به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که بر تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی یا باور آن متمرکز است (انیس^۱، ۲۰۱۰). با اندکی دقت همپوشانی این دو متغیر به صراحت مشخص می‌شود، همین طور با اندکی تأمل می‌توان به این نکته دست یافت که تفکر انتقادی نیز برای فرد اثرات مثبت خواهد داشت، تفکر انتقادی در برابر تفکر خشک و جمود فکری قرار دارد، کسی که در مواجهه با مسایل و مشکلات مسایل را موشکافی کرده، با کسی که تفکر خرافی و نامنعطف دارد، یکسان عمل نخواهند کرد. حال باید در نظر گرفت، والدین خردمند که دانش، تفکر و درک و بینش، تأمل و بازنگری و توجه همزمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران دارند، می‌توانند این روش و طرز تفکر را به فرزندان خود انتقال دهند، والدین خردمند با برخورد با مسایل روزمره به صورت منفعلانه مطالب دریافتی خود را را نمی‌پذیرند. دو نفر از والدین دانش‌آموزان را در نظر بگیرید، یکی خردمند و با ذهن آگاه و فعال و دیگری منفعل و پذیرا، مسلم است که این دو نفر با مسأله‌ای که مواجه می‌شوند به صورت یکسان به مسأله نگاه نمی‌کنند، فرد خردمند شروع به موشکافی و تجزیه و تحلیل مسایل می‌کند، یا مسأله را می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد، ولی فردی که از خردمندی برخوردار نیست، به راحتی مطلب را می‌پذیرد و از آنجا که می‌دانیم یکی از طرق یادگیری، یادگیری مشاهده‌ای است، فرزندان این نحوه برخورد والدین را با مسایل به عینه مشاهده و به راحتی روش و طریق والدین را در زندگی یاد خواهند گرفت.

نکته دیگر اینکه پیشتر اشاره شد، در صورتی که فرد از سرمایه‌های رشدی برخوردار باشد و همان طور که می‌دانیم یکی از سرمایه‌های رشدی برای فرزندان داشتن والدین خردمند است، وجود والدین خردمند امکان رشد خرد و به دنبال آن تفکر انتقادی را در سال‌های اولیه جوانی امکان‌پذیر می‌سازد، سرمایه‌های رشدی، که همان طور که اشاره شد، والدین خردمند، یکی از آنهاست تجربه‌ها و ویژگی‌هایی ضروری برای ارتقاء رشد سالم و موفقیت در افراد هستند (مرادی، ۱۳۹۴) سرمایه‌های رشدی، به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. والدین خردمند این دو سرمایه را برای فرزندان فراهم می‌کنند، سرمایه‌های رشدی درونی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و کیفیت‌های درونی هستند که زمینه‌ساز انتخاب‌های مثبت و افزایش اعتماد به نفس، اشتیاق و هدفمندی می‌شوند. این سرمایه‌ها، برای تصمیم‌گیری‌های مسئولانه در مورد حال و آینده از جانب فرزندان ضروری هستند و عبارت‌اند از تعهد به یادگیری، ارزش‌های مثبت، شایستگی‌های اجتماعی و هویت مثبت، این نکته بیانگر این است که اگر چه والدین خردمند باشند ولی فرزندان سرمایه رشد درونی نداشته باشند، این مهم یعنی تفکر انتقادی برای فرزندان فراهم نمی‌شود.

سرمایه‌های رشدی بیرونی، مجموعه تجارب مثبتی هستند که فرزندان از والدین، نهادها و مؤسسه‌های مرتبط به زندگی خویش دریافت می‌کنند، چهار طبقه سرمایه‌های بیرونی در این چارچوب قرار می‌گیرند، حمایت، توانمندسازی، محدودیت‌ها و انتظارات و استفاده سازنده از زمان (بنسون و همکاران، ۲۰۰۷). هدف از اشاره به این نکته این است که، ممکن است والدین خردمند باشند، اما فرزندان از سرمایه رشدی لازم برای بهره‌مند شدن از خردمندی والدین را نداشته باشد، به عبارتی دیگر، والدین خردمند یک طرف قضیه است، اما برای

داشتن تفکر انتقادی لازم است دانش آموز نیز خردمند باشد، اگر دانش آموز خردمند نباشد و نتواند از روش های والدین خود استفاده کند مسلم است که پیشرفتی در تفکر انتقادی نخواهد داشت.

دلیل دیگر خردمندی در سایه کسب تجربه در گذر زمان به دست می آید و آنچه مسلم است این است که خردمندی در سن بالاتر بیشتر دیده می شود. حداقل تفاوت سالمندان با سایرین تعداد تجربه های آنان در زندگی است. آنان اتفاقات زیادی چه مثبت و چه منفی پشت سر گذاشته اند که می توانستند درس های زیادی از آنها کسب کنند. این امر نشان دهنده این می تواند باشد، که والدین تجارب کسب شده در گذر زمان را در اختیار فرزند خود قرار می دهند و همان طور که می دانیم خردمندی، زمینه تفکر انتقادی را برای دانش آموز فراهم می کند. در این قسمت لازم است بدانیم، ۱- اواخر نوجوانی و آغاز بزرگسالی پهنه های است که به سمت خرد باز می شود، بنابراین ظهور خرد را از این سنین به بعد می توان انتظار داشت. ظهور خرد ممکن است در دوره های سنی مختلف متفاوت باشد. هر دوره سنی موضوعات و مسئله خاص خودش را دارد. زمانی که در پژوهش ها برای سنجش خرد، از تکالیفی استفاده می شود که با سن فرد هماهنگ باشد، افراد درجات بالاتری از خرد را در بخش های طراحی زندگی و مرور زندگی نشان می دهند، ذکر این مهم بیانگر این است که نوجوانان در این سن رو به خرد و خردمندی گرایش پیدا کرده و به تبعیت از رشد خردمندی، تفکر انتقادی نیز در آنان رشد و پیشرفت خواهد کرد.

ب- سبک های فرزندپروری نتوانست پیش بینی کننده معنادار تفکر انتقادی باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت، منظور از سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) سبک های فرزندپروری را تفاوت در تلاش های پدر و مادر برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان تعریف می کند. سبک های فرزندپروری مجموعه ای از گرایش ها، اعمال و جلوه های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت های گوناگون مشخص می کند و در سه حیطه اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذار مطرح شده است. سبک فرزندپروری ترکیب هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت های گسترده ای روی می دهند و جو فرزندپروری را به وجود می آورند (برک، ۲۰۰۴؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۷) و این نکته بیشتر مرتبط با روش هایی است که والدین به کار می برند تا فرزند خود را با اصول و شیوه های صحیح پرورش دهند و منظور از تفکر انتقادی عبارت است از بصیرت، عقلانیت، تفکر تأملی، شناسایی مفروضات زیربنایی، حل مسأله، تصمیم گیری، خلاقیت، استنباط و ارزیابی (پیچ و مکورجی^۲، ۲۰۰۷؛ سزر^۳، ۲۰۰۸). دقت در این دو متغیر نشان می دهد که هر کدام هدفی مجزا از دیگری دارد.

در این رابطه باید گفت، ممکن است والدین با سبک فرزندپروری منطقی خود بخواهند فرزند خود را منتقد و متفکر پرورش دهند، اما باید توجه داشت که صرف داشتن مهارت تفکر انتقادی کافی نیست و شخص باید نسبت به این نوع از تفکر گرایش هم داشته باشد. پرافتو^۴ (۲۰۰۳) بیان کرده است که تفکر انتقادی شامل دو جنبه مهارت و گرایش به تفکر انتقادی است جنبه مهارت تفکر انتقادی بر راهبردهای شناختی و جنبه گرایش به تفکر انتقادی، بر اجزای نگرشی تفکر و انگیزه پایدار درونی برای حل مسأله تأکید دارد. در همین راستا لیپمن و انیس^۵ (۲۰۰۳) نیز تفکر انتقادی را حداقل دارای دو عنصر اساسی می دانند، یک عنصر بررسی و ارزیابی دلایل، که مستلزم کسب مهارت های لازم برای درک درست و ارزیابی دلایل و ادعاهاست و دیگری روحیه و گرایش به تفکر انتقادی که شامل آمادگی ها، نگرش ها و خصوصیات ذهنی و صفات شخصی است. گزارش دلفی این خصوصیات و صفات لازم را به این ترتیب بیان می کنند که متفکر انتقادی ایده آل بر حسب عادت کنجکاو، بصیر، بی تعصب، منعطف، بی طرف در قضاوت، صادق در مواجهه با تعصبات شخصی، محتاط در قضاوت، حاضر به تجدید نظر کردن، صریح در مباحث، منظم در انجام مهارت های پیچیده، سختکوش در جستجوی اطلاعات مرتبط و معقول در انتخاب معیار است و نیز متمرکز در تحقیق پایدار در جستجوی نتایج است، که همانند موضوع و شرایط تحقیق اهمیت دارد (راد و مور^۶، ۲۰۰۳). همه این نکات اشاره به این دارد که گرایش به تفکر انتقادی باید از درون فرد سرچشمه بگیرد و نقش و اهمیت سبک های فرزندپروری والدین در این رابطه کم رنگ می شود.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش ها با محدودیت هایی مواجه بود که عبارتند از:

۱- از آن جا که ابزار سنجش متغیرها از نوع ابزار خودگزارش دهی است، تکمیل پرسشنامه ها تا حد زیادی تحت تأثیر علائق خود یا خودنمایی و استراتژی مدیریت برداشت قرار می گیرد. بهتر است برای اطمینان یافتن از نتایج در کنار ابزارهای خودگزارش دهی، از روش -

1 . tendency

2 . Page & Mukherjee

3 . Sezer

4 . Profetto

5 . Lipman & Ennis

6 . Rudd & Moore

های دیگری مانند مشاهده، مصاحبه استفاده شود. ۲- گروه نمونه مورد مطالعه حاضر تنها در شهر کبودرآهنگ انتخاب شد. از این رو تعمیم نتایج و به کارگیری ابزار برای مناطق و شهرهای دیگر با توجه به گستردگی فرهنگی و نژادی، و همچنین روی گروه‌های نمونه دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. محافظه کارانه پاسخ دادن پاسخگویان و نظر واقعی خود را اعلام نکردن. محدودیت مهم دیگر این پژوهش کمبود پیشینه داخلی و خارجی مناسب در مورد خردمندی بود، به دلیل این که در مورد خردمندی پژوهش‌های خیلی کمی انجام شده است.

در راستای این یافته پیشنهاد می‌شود، ۱- سبک صحیح فرزندپروری را به صورت جزوه، کارگاه آموزشی، جلسات خاص و غیره به پدران آموزش داد تا بتواند تضمین کننده تفکر انتقادی دانش‌آموزان باشد. ۲- خردمندی پدران، به عنوان عامل مؤثر در ایجاد تفکر انتقادی در فرزندان، زمینه را برای توجه بیشتر به فرایند خردمندی و نقش خرد در پرورش فرزندان منتقد و موفق فراهم می‌نماید.

الف) فهرست منابع فارسی

- اقبال‌نیا، زهره و قربانی، سیدعلی (۱۳۹۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانش‌آموزان پایه دهم شهرستان مه ولات. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی علوم تربیتی و سبک زندگی. بایامحمدی، حسن و خلیلی، حسین (۱۳۸۳). مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۴(۱۲)، ۳۱-۲۳.
- البرزی، محبوبه (۱۳۹۰). نقش باورهای فرزندپروری و نگرش مادران به تفکر خلاق بر خلاقیت کودکان. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۹، شماره ۲، ۲۴-۷.
- برک، لورا (۲۰۰۴). روان‌شناسی رشد تا پایان زندگی (عمر) جلد دوم. ترجمه سیدمحمدی، یحیی (۱۳۹۷). نشر ارسباران.
- بهرامی‌هیدجی، سوداگر، مسچی و جعفری‌آذر (۱۳۹۶). پیش‌بینی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها. اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی. جوکار، فاطمه و گلشنی، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت با تفکر انتقادی. پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- دهقانی‌فیروزآبادی، فاطمه و اخوت، علی‌محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.
- رضایی، امیر و خداخواه، شبنم (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و باورهای معرفت‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه علوم تربیتی. ۲(۵)، ۱۳۴-۱۱۷.
- ساعدی، سمانه و باقری‌نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۱). بررسی تحولی تفکر فرا انتزاعی و خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی در شهر اصفهان. پایان‌نامه دکترای تخصصی. دانشگاه اصفهان. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- سالاری، مریم. کارشکی، حسین و عبدخدایی، محمدسعید (۱۳۹۲). نقش ادراک والدینی و انگیزش تحصیلی در گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۵(۱)، ۶۴-۴۷.
- عماری، فاطمه و جاویدی‌سیامک‌سامانی، حجت‌اله (۱۳۹۳). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی با تفکر انتقادی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- قدومی‌زاده، فاطمه و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۴). واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی دانشجویان در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و گرایش به تفکر انتقادی. فصلنامه مسایل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۱(۱)، ۱۰۷-۱۳۲.
- کردنوقایی، رسول (۱۳۹۶). روان‌شناسی خرد. نشر: کتاب ارجمند با همکاری انتشارات ارجمند.
- کلانتری، سارا. بنی‌جمالی، شکوه‌سادات و خسروی، زهره (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر کاهش تفکر غیر منطقی دانش‌آموزان دختر کلاس اول مقطع راهنمایی شهرستان بروجن. مجله روانشناسی بالینی و شخصیت. ۲۱(۱۱)، ۴۸-۳۷.
- گراوند، هوشنگ. حسینی، سید علی‌اکبر و احمدچائی، یاسرسلطانی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر با ادراک سبک‌های فرزندپروری والدین در دانشجویان. دومین همایش ملی روانشناسی - روانشناسی خانواده.
- مرادی، شهریار (۱۳۹۴). تدوین مدل علی برای تبیین خرد بر مبنای دارایی‌های تحولی با وساطت بالندگی در دانشجویان دانشگاه‌های کرمانشاه. رساله دکتری دانشگاه بوعلی سینا.
- هاشمی، سهیلا (۱۳۹۱). بررسی خردمندی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه در فرایند حل مسأله و رابطه آن با باورهای معرفت‌شناختی. اندیشه‌های نوین تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه الزهراء. ۷(۲)، ۸۱-۵۳.
- هالاهان، دانیل پی و کافمن، جیمز (۱۹۴۴). کودکان استثنایی (مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه). ترجمه جوادیان، مجتبی (۱۳۸۳). تهران: انتشارات به نشر.

ب) فهرست منابع انگلیسی

- Ardelt, M. (2003). Widsom and life satisfaction in old age. Journal of Gerontology , 52(1).15-27.

- Baumrind, D. (1991). **Effective parenting during the early adolescent transition**, In P. A. Cowan and E. M. Hetherington (Eds.), *Advances in family research series. Family transitions* (pp. 111-163), Hillsdale, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Benson ,P.L. Scales , P.C. Hamilton ,S . & Sesma , J.(2007). **Positive Youth development si far. Core Hypothesis and their implication for policy and practice** . Insights and Evidence , Nonember. Vol 3 , No. 1.
- Bigham H. (2010). **The relationship between obsessive-compulsive disorder and parenting styles of authority rational democratic and despotic**. [Thesis]. Tehran Psychiatry Institute.
- Chabrak Nihel and Craig Russell (2012). **Student imaginings, cognitive dissonance and critical thinking Critical Perspectives on Accounting**, 1.1-14.
- Cojocariu, V. M., & Butnaru, C. E. (2014). **Asking question –critical thinking tools**. *Procedia –Social and Behavioral Sciences*, 128, 22-28.
- Ennis, R.H.(2010). **An outline of goals for a critical thinking curriculum and itsassessment** . NOV 11 Available from: [Http: // WWW.Criticalthinking. Net/ goals. Htm](http://WWW.Criticalthinking.Net/goals.Htm) 1.
- Facione, P. A., Facione, N. C., (1990). **California Critical ThinkingDisposition Administrative and Policy Studies School of Education**.Retrieved on Jan.142008 from <http:// etd.library>.
- Gilmore, A. L. (2018). **A Cultural Examination of Hardiness: Associations with Self-Esteem, Wisdom, Hope, and Coping-Efficacy**. (doctoral dissertation) University Honors Program Thseses.
- Glück, J., König, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U., Dorner, L., & Straber, I. (2013). **How to measure wisdom: content, reliability, and validity of five measures**. *Personality Science and Individual Differences*, 4 (405), 2-13.
- Gonzalez- DeHass, Alyssa R., Willems, Patricia P., & Holbein, Maria F. Doan,(2005). **“Examining the Relationship Between Parental Involvement and Student**. ” *Motivation. Educational Psychology Review*, 17(2): 99- 123.
- Gunn, M. T., & Grigg, M. L., & Pomahac, A. G. (2008). **Critical thinking in scienceeducation: can bioethical Issues and questioning strategies Increase Scientificunderstandings?** *The journal of Educational thought*. 42(2), 162. Pro Quest educationjournals.
- Huang, L., Wang, Z., Yao, Y., Shan, Ch., Wang, H., Zhu, M., Lu, Y., Sun, P., & Zhao, X. (2015). **Exploring the association between parental rearing styles & medical students’ critical thinking disposition in China**. *BMC medical education*, 15(88), 2-8.
- Karago I, Bekmezci S. (2015) **Investigating Academic Achievements and Critical Thinking Dispositions of Teacher Candidates**. *Journal of Education and Training Studies*.3(4): 86-92.
- Latvia, R. (2013). **Factors of resilience wisdom and self efficacy as positive resources of leaders in sample of latvian**. *Problem Psychology* ,5, 96-107
- Lipman, M. Ennis, R. H. (2003), *Thinking in education*. New York: Cambridge University Press.
- Page, D., & Mukherjee, A. (2007). **Promoting Critical thinking skills by using negotiation exercises**. Copyright Heldref publications. 251.
- Profetto, M. G. J. (2003). **The relationship of critical thinking skills and critical thinking dispositions of baccalaureate nursing students**. *Journal Advance Nurse*, 43(6), 569-577.
- Rosen, L. D., Cheever, N. A., & Carrier, L. M. (2008). **Theassociation of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent my space behavior**.*Journal of AppliedDevelopmental Psychology*,29, 450-471.
- Sezer, R. (2008). **Integration of critical thinking skills into elementary school teacher education courses in mathematics**. *Education*. 128(3), 349. proquest education journals.
- Snyder, L., & Mark. J. (2008). **Teaching critical thinking and problem solving skills**. *The Delta Pi Epsilon Journal*, Volume 1, No. 2.
- Stopes- Roe, Mary & Cochrane, Raymond,(2000). **“The child- rearing values of Asian and British Parents and young people; An inter-ethnic and intergenerational comparison in the evaluations of Kohns 13 qualities**. ” *British Journal of Social Psychology*, 29:149-160.
- Tennent, Lilly Jacqueline & Berthelsen, Dona,(2000). **“ Creativity: What does it mean in the family context?”**, *Journal of Australian Research in Rarly Childhood Education*, 1: 91-104.
- Young M. and Warren L.(2011) **Encouraging the Development of Critical Thinking Skills in the Introductory Accounting Courses Using the Challenge Problem Approach, Issues in Accounting Education** , 26, 4, 859–881.
- Zimmerman B J, Bandura A, Martinez P M. (2003). **Self-motivation for academic attainment. The role of self-efficacy beliefs and personal goal setting**. *American educational research journal*; 26(3): 663-676.